

تبلیغ در خدمت نظام سلطه جهانی (بهائیان در ویتنام اشغالی)

دکتر مصطفی مقدم

در قاموس قدرتهای سیاسی، به‌ویژه قدرتهای ناشی از تمدن «اومانستی» غرب، سکولاریسم یک اصل بنیادین است. به همین علت، سیاست‌گزاران و برنامه‌ریزیهای دولتها درباره مذاهب و فرقه‌ها، در مرتبه اول برای تضعیف و تحلیل بردن آنها است و در مرتبه بعد، ناگزیر آنها را به عنوان واقعیت‌های غیرقابل انکار اجتماعی به رسمیت می‌شناسند. اما هیچگاه به ترویج و تبلیغ آنها نپرداخته و زمینه‌ای برای گسترش فعالیتهای آنها فراهم نمی‌سازند. آنچه گفته شد، بیانگر رابطه دولتها با مذاهب و فرقه‌های بومی جامعه خویش است. روشن است که آن دولتها در قبال آیینهای وارداتی و غیربومی واکنشی شدیدتر از خود نشان می‌دهند. حال اگر در چنین شرایطی، قدرتهای سردمدار تمدن غرب و دیگر دولتها از فرقه‌ای پشتیبانی کرده و حتی برای گسترش فعالیتهایش به آن کمک کنند، مسئله، بودار می‌شود.

فعالتهای فرقه بهائی در کشورهای مختلف از جمله جدی‌ترین نمونه‌های پرسش‌برانگیز این امر است. یکی از این موارد فعالیتهای فرقه در برخی از کشورهای جنوب آسیا، مانند لائوس و ویتنام، در دهه ۱۹۶۰ میلادی است. کشورهای یادشده در آن سالها گرفتار مصیبت‌آمیزترین و خونبارترین ایام تاریخ خود بودند. لائوس از اواخر دهه ۱۹۵۰ به بعد، صحنه رویارویی قدرتهای جهانی، و به طور مشخص، مداخله نیروهای آمریکایی و ویتنام شمالی بود. در نتیجه خاک آن کشور صحنه درگیری میان جناحهای پانت لائو (کمونیست) به رهبری «سوپهانو وونگ»، شاهزاده «بون اوم» و دولت پادشاهی به صدارت «سو وانا پهوما» قرار داشت. حاصل چنین وضعیتی، فشار فقر و ناامنی و کشتار فراوان بود. ویتنام نیز در دهه ۱۹۶۰ میلادی صحنه نبردهای خونین



اعضای محفل ملی بهائیان و بیتام در حضور ژنرال «دوساوا» معاون نخست‌وزیر (به نمایندگی از طرف ژنرال «نگریبری خانه» نخست‌وزیر ویتنام)



میان مبارزان آن کشور با قوای متجاوز آمریکایی بود. به گونه‌ای که در فاصله سالهای ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۸، بیش از ۴۰۰/۰۰۰ تن از مردم ویتنام کشته شدند. تنها در حمله عمومی عیدت ۳۹۸۰۰ نفر جان خود را از دست داده و بیش از ۱۰۰/۰۰۰ نفر مجروح شدند. از فوریه ۱۹۶۵ تا ژوئیه ۱۹۶۸، هوایمهای آمریکایی در ۱۰۷/۷۰۰ حمله به خاک ویتنام، ۲ میلیون و ۵۸۲ هزار تن بمب بر روی مردم بی دفاع آن کشور ریختند.

اما جالب است بدانیم که مبلغان بهائی در چنین وضعیتی، در کمال امنیت و بدون هیچگونه دغدغه وارد این کشور شده برای فعالیتهای آنان بسترهای لازم فراهم شد و کمکهای لازم برای پیشرفت آنها انجام گرفت. به گونه‌ای که بنا به نوشته مجله اخبار امری، ارگان بهائیان: «بر اثر ایمان و عقیدهٔ راسخ به حضرت بهاءالله و عشق به بشریت و جانبازی و گذشت، احبای ویتنام اخیراً موفقیت شایانی کسب کرده‌اند. تعداد ۹۰ محفل روحانی جدید در رضوان گذشته تأسیس و همچنین ۴۱۱۶ نفر در مدت یک سال در ظل امرالله وارد شده‌اند. روزنامه‌های رسمی ویتنام، رادیو و تلویزیون ملی تمام اطلاعات و اخبار را دربارهٔ تعطیلات و جلسات امری انتشار و پخش می‌کردند و هر هفته برنامه‌های امری از رادیو سرویس مخصوص اطلاعات شهرهای مختلف پخش می‌شود».^۱

هر چند بهائیان به عنوان فرقه‌ای کوچک و اندک‌شمار، از نظر روانی نیاز به بزرگنمایی دارند و لذا همواره دربارهٔ تعداد پیروان خود مبالغه کرده و به ارائه آمارهای اغراق‌آمیز می‌پردازند و بنابراین، ادعاهای آنان دربارهٔ گرایش افراد ویتنامی، باید با احتیاط تلقی شود. اما متن نوشته اخبار امری، دست‌کم، رضایت آنان را از شرایطی که در آن کشور برایشان فراهم شده بود، آشکار می‌سازد.

با توجه به حضور و سلطهٔ آمریکا در آسیای جنوب شرقی در آن مقطع تاریخی، روشن است که حضور بهائیان با آن شرایط مناسبی که خود بدان اذعان دارند، بدون همراهی و همکاری آن دولت، میسر نبوده است. به این ترتیب، هنگامی که زمینهٔ حضور عده‌ای زیر سایهٔ سرنیزهٔ آمریکا در یک کشور فراهم گردد، جناحهای سیاسی که چنین پیوند تنگاتنگی را میان آن عده و قدرت مسلط مشاهده می‌کنند، همکاریهای لازم را با آنان خواهند داشت. بر این پایه است که نشریهٔ آهنگ بدیع اظهار می‌دارد در جشن روز مذاهب در لائوس، بنا به دعوت محفل بهائی، برادر پادشاه آن کشور، به نمایندگی رسمی از سوی پادشاه، در آن جشن شرکت کرد.^۲ و همچنین روزنامه‌های مختلف

۱. اخبار امری، مرداد ۱۳۴۷، ش ۵، ص ۳۳۵.

۲. آهنگ بدیع، سال ۱۵، ش ۱، ص ۲۴.



ویتنام، جریان جشن تولد بهاء را با عکسهای آن درج کرده و شرحی دربارهٔ حیات و تعالیم جمال مبارک! چاپ کرده‌اند.^۱

نکتهٔ مهم‌تر اینکه، بهائیان نه‌تنها در سایهٔ سرنیزهٔ آمریکا قادر به حضور در یک کشور بوده و با اعمال نفوذ آن دولت، زمینه برای فعالیت‌هایشان فراهم می‌شود، بلکه نفس برخورد آمریکا با مردم آن منطقه و فشاری که به وسیلهٔ کشتار و جنگ در جامعه ایجاد می‌شود، زمینهٔ روانی مناسبی را برای شنیدن ندای صلح و وحدت بشر فراهم می‌سازد. بدین‌گونه، پیوند دقیقی میان این وضعیت ایجاد شده به وسیلهٔ آمریکا در کشورهایمانند لائوس و ویتنام از یکسو، و فعالیت بهائیان در قالب شعارهای صلح و وحدت در آن کشورها از سوی دیگر، احساس می‌شود. به بیان دیگر، آمریکا این فرصت را فراهم می‌سازد و آن را در اختیار این گروه قرار می‌دهد. نشریات بهائیان، ناخواسته به سوءاستفادهٔ فرصت‌طلبانه از چنین وضعیتی اذعان کرده‌اند. صدها هزار نفر از مردم بر اثر یورش توپ و تانک و بمبارانهای آمریکا از بین رفته‌اند و تعدادی از بازماندگان آنها در بازداشت و اسارت به سر می‌بردند، در چنین شرایطی مبلغان بهائی بدون هیچ‌گونه مانعی به سراغ زندانیان می‌روند و به بیان درست‌تر، به آن اردوگاهها و بازداشتگاهها برده می‌شوند، تا بنا به اذعان نشریهٔ اخبار امری: «در حالی که جنگ و کشتار در ویتنام جریان دارد و صفحات روزنامه‌های آن کشور را اخبار و عکسهای مربوط به عملیات جنگی پوشانده است، جامعهٔ بهائی ویتنام برحسب وظیفهٔ دینی و انسانی خود از فرصتها و موقعیت‌های گوناگون برای شناساندن امر جهانی بهائی و اهداف و مقاصد عالیة انسانی آن و ابلاغ پیام الهی به عموم مردم استفاده نموده طی مراسم و احتفالات مختلف پیام حضرت بهاء را که هدفشان ایجاد وحدت و برادری بین نوع بشر است به مردم آن کشور ابلاغ می‌نمایند.»^۲ در شمارهٔ دیگری از این نشریه به سوءاستفاده از شرایط نابهنجار افراد دربند، اذعان شده و خاطر نشان می‌گردد: «اخیراً طی دیداری از خانواده‌های محنت‌زده و بیچاره و قربانیان جنگ که در بازداشتگاهها هستند، هدایایی داده شد... با استمداد از دولت که خسارت وارده در اثر جنگ را به احباء پردازد، به این ترتیب کمکی به احبای ستم‌دیده شد. صدها نفر از احباء موافقت کرده‌اند که جلسات محافل روحانی در منازل آنها موقتاً به جای حظیرةالقدس گرفته شود.»^۳ همین نشریه در شمارهٔ دیگر می‌نویسد: «یاران این سامان از قربانیان جنگ در اردوگاههای پناهندگان دیدن کرده هدایایی بین این



۱. اخبار امری، آبان ۱۳۴۵، ش ۸، ص ۵۳۷.

۲. همان، اردیبهشت - خرداد ۱۳۴۶، ش ۲ و ۳، ص ۱۱۶.

۳. همان، مرداد ۱۳۴۷، ش ۵، صص ۳۳۵-۳۳۶.

افراد مصیبت دیده توزیع کرده... و نسبت به احبائی که در جنگ صدمه و خسارت دیده‌اند با تقاضای کمک مالی از دولت به این نفوس مساعدت شده است.^۱

به گفته‌ی نشریه‌ی فوق در همان شماره: «وضع این کشور از نظر تبلیغی بسیار ثمربخش است زیرا ترس از جنگ، مردم ویتنام را نسبت به نقشه‌ی صلح جهانی امر بهائی بسیار علاقه‌مند نموده است.»^۲ سرمستی و رضایت‌خاطر مبلغان بهائی از اینکه می‌توانند مردمی مصیبت‌زده و گرفتار در پادگانهای اسارت را به چنگ آورده و با تهدید و تطمیع آنان را ناگزیر از تظاهر به همفکری بکنند، در قاموس اخلاق انسانی جایگاهی ندارد. مهم‌تر اینکه به نظر می‌رسد، این روش غیراخلاقی، به‌رغم هیاهوی تبلیغاتی، تأثیر چندانی بر مردم آن منطقه نداشته است. زیرا اگر اظهار پذیرش بهائیت از سوی افراد ادعا شده واقعیت می‌داشت، اکنون می‌بایست تعداد زیادی از مردم آن کشورها پیروان فرقه‌ی یاد شده می‌بودند. با این همه، نشریات فرقه در آن مقطع تاریخی مملو از آمار مطول و پرطمطراق از گرایش فوج مردم ویتنام به این فرقه هستند. جالب‌تر از همه اینکه به اذعان خود مبلغان بهائی، آنان اصلاً از محتوای آیین بهائی با مردم سخن نمی‌گفتند و اظهار می‌داشتند که «ما برای تبلیغ، زیاد به بحث و استدلال در مورد وجود بهشت و دوزخ و امثال آن نمی‌پردازیم، بلکه صرفاً این واقعیت را به اطلاع مبتدیان خویش می‌رسانیم که دیانت مقدس بهائی برای اتحاد نوع بشر و جهان آماده است.»^۳

این کشور و کرامت حضرات، ضرب‌المثل معروفی را تداعی می‌کند که می‌گوید: از کرامات شیخ ما این است / شیره را خورد و گفت شیرین است! به این ترتیب، معلوم نیست حضرات چه چیزی را به عنوان کیش بهائیت به ویتنامیهای بازداشت شده می‌آموختند و آن فلک‌زده‌ها چه چیزی را می‌پذیرفتند؟ با وجود این، همین نوع پذیرش و همین‌گونه افراد بودند که محتوای آمار و ارقام و مدعیات مبلغان بهائی برای فروش مردم ویتنام به این فرقه را تشکیل می‌دادند! شگفت‌تر آنکه با این نوع آموزش و پذیرش، حضرات مدعی بودند که «دولت و مردم ویتنام دیانت بهائی را به عنوان یک دیانت منحصر به فرد که دارای برنامه و روش کامل است می‌شناسند.»^۴

تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

۱. همان، ص ۴۷۷.

۲. همان، شهریور - مهر ۱۳۴۷، ش ۶ و ۷، ص ۴۷۵.

۳. همان.

۴. همان، سال ۱۳۴۹، ش ۲، ص ۹۷.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی